

مراسم عاشورا در کابل

دکتر قاسم جوادی / استادیار جامعه المصطفی

سید محمد جمال موسوی / دانشجوی دکتری تاریخ تمدن اسلام

چکیده

شیعیان در تمام دنیا همه‌ساله یاد و خاطره شهیدان کربلا را زنده نگه می‌دارند و در ماه محرم به سوگ می‌نشینند. شیعیان افغانستان نیز اهمیاتی ویژه به برپایی عزاداری‌های حسینی دارند و این امر، قدمتی به پیشینه حضور تشیع در این کشور دارد.

نوشتار زیر در دو بخش به این موضوع پرداخته است: بخش نخست اشاره‌ای کوتاه به سیر تاریخی عزاداری‌های حسینی در افغانستان، به ویژه کابل دارد؛ در بخش دوم به چگونگی برگزاری این مراسم، مانند سبک عزاداری، علایم و نمادها، زنانه‌خوانی، ساختار تکیه‌خانه، نحوه اجرای مراسم طی یک روز و... در شهر کابل پرداخته شده است. این بخش بیشتر به مشاهدات نویسنده و مصاحبه با افراد مطلع متکی است.

کلیدواژه‌ها: شیعیان کابل، عزاداری حسینی، تکیه‌خانه، بارسینه‌خوانی.

پیش درآمد

بی‌تردید، در هر مکانی که جماعتی از شیعیان حضور داشته‌اند، یکی از اموری که به آن اهتمام ورزیده‌اند، یادبود و گرامی‌داشت حادثه‌ی عاشورای سال ۶۱ هجری است؛ به گونه‌ای که این امر به‌مثابه‌ی بخشی از فرهنگ و هویت جوامع شیعی درآمده است. این رویداد چنان اثری در ذهن و خاطره‌ی جامعه‌ی اسلامی و تأثیری ماندگار در تاریخ اسلام داشته است که حتی دیگر مسلمانان نیز در برپایی عزا بر مصایب خاندان پیامبر ﷺ شرکت می‌جستند. از این روست که پس از حادثه‌ی شگرف و دردناک عاشورا، یاد و خاطره‌ی این حادثه‌ی تاریخ‌ساز نه‌تنها بین شیعیان، که میان امت اسلامی، همچنان زنده، جاری و ساری است.

بنا بر گواهی نخستین اسناد مکتوب عاشورا، عزاداری برای شهیدان کربلا هم‌زمان و پس از وقوع این حادثه آغاز شده است. طبری در تاریخ خود به عزاداری اسیران کربلا، عزاداری زید بن ارقم در مجلس ابن زیاد (طبری، ۱۹۳۹م، ج ۴، ص ۳۴۹) و عزاداری شامیان، خانواده‌ی یزید و توابعین (همان، ص ۳۵۳ و ۴۵۶) اشاره می‌کند. اشتراک مسلمانان در عزاداری بر اهل بیت علیهم‌السلام همچنین مدح و منقبت ایشان را در جاهای دیگر نیز می‌توان سراغ گرفت. شاعران بسیاری، هم از شیعه و هم از سنی، سوگواره‌هایی در رثای اهل بیت علیهم‌السلام سروده‌اند که به فرقه‌ی خاصی اختصاص ندارد. می‌توان این مطلب را در ادبیات ملل مسلمان نیز جست‌وجو و پیگیری کرد.

در سده‌ی ششم هجری، بنا بر گزارش عبدالجلیل رازی قزوینی در کتاب *نقض*، شاهد عزاداری اهل سنت در مناطق مختلفیم که وی ضمن اشاره به آنها، این‌گونه عزاداری‌ها را جریان‌ی طبیعی، انسانی و دینی نشان می‌دهد. وی همچنین از مجالس سوگواری دو واعظ معروف (علی بن حسین غزنوی و قطب‌الدین مظفر امیرعبادی) سخن به میان می‌آورد و اینکه تعزیت امام حسین علیه‌السلام، همه‌ساله در روز عاشورا به بغداد تازه است، همراه با نوحه و فریاد. (قزوینی، ۱۳۵۸، ص ۳۷۰-۳۷۳) شافعی نیز در

رثای امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا مرثیه‌های فراوان دارد. وی در آغاز یکی از این مرثیه‌ها می‌گوید: (همان، ص ۳۷۰)

أبکی الحسین و أرثی مَنَّةَ جَجَّاحَا
مَنْ اهل بیت رَسولِ اللّٰه مَّصْبَاحَا

برای حسین می‌گریم و برای او که آقای بزرگواری است مرثیه می‌سرایم. کسی که از خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و چراغ هدایت است.

بزرگان شافعی و حنفی مذهب نیز درباره شهدای کربلا، مرثیه‌های بی‌شماری دارند. خواجه ابونصر ماشاده، از شخصیت‌های اهل سنت اصفهان، هرساله در روز عاشورا، آیین سوگواری امام حسین علیه السلام را با ناله و فریاد، به‌پا می‌داشته است. در دارالخلافه بغداد نیز خواجه علی غزنوی حنفی، این آیین را پرشور برگزار می‌کرده است. عزاداری امام حسین علیه السلام با نوحه و فریاد، هرساله در روز عاشورا برگزار می‌شد و آیینی زنده بوده است. در همدان - که لشکرگاه ترکان سلجوقی بوده است - هرساله در روز عاشورا، مجدالدین مَذْکَرُ هَمْدَانی، چنان مراسم سوگواری پرشوری برگزار می‌کرد که مایه تعجب قمی‌ها شده بود.

مولوی، شاعر بلندآوازه قرن هفتم، در مثنوی خود به وجود عزاداری علنی در شهر حلب اشاره دارد: (مولوی، ۱۳۷۳، ص ۷۸۷)

ناله و نوحه کنند اندر بَکَا
شیعه، عاشورا، برای کربلا

همچنین گفتنی است که وی غزل پرشور «کجایید ای شهیدان خدایی» را نیز در رثای شهیدان کربلا سروده است.

در این میان، شیعیان به دلیل رویکرد خاص اعتقادی‌شان به اهل‌بیت علیهم السلام، اهتمام تام و ویژه‌ای برای اقامه عزای بر شهیدان کربلا داشته‌اند و در تمام نقاط دنیا یاد و خاطره کربلا و عاشورا را زنده نگه می‌دارند. شیعیان افغانستان نیز از این امر مستثنا نبوده و نیستند. با تأملی در گذشته تاریخی جغرافیایی سرزمینی که امروزه افغانستان نامیده می‌شود و در گذشته بخشی از خراسان تاریخی بزرگ بود این امر به‌خوبی قابل پیگیری و اثبات است.

۱. سیر تاریخ عزاداری‌های حسینی در افغانستان

حادثه کربلا در ذهن و خاطره مردم خراسان - که افغانستان امروزی را نیز شامل می‌شد - همانند شام و عراق تأثیرگذار بود و خراسانیان، به‌ویژه پس از شهادت یحیی بن زید (رضوی اردکانی، ۱۳۶۱، ص ۵۵۹) یاد و خاطره این رویداد بزرگ را زنده نگه داشتند. امروزه نیز آرامگاه امامزاده یحیی بن زید در مرکز ولایت سرپل در شمال افغانستان، زیارتگاه خاص و عام است.

در یک بررسی کلی تاریخی می‌توان سیر عزاداری در افغانستان را در پنج مرحله پیگیری کرد:

در دوره اول می‌توان به مراحل آغازین عزاداری‌ها اشاره نمود که در مناطقی همچون سیستان، بلخ و جوزجان وجود داشت. این عزاداری‌ها به گونه غیررسمی بوده و تا حدود قرن هشتم و دوره تیموریان ادامه داشته است. در عصر غزنویان، اگرچه سخت‌گیری‌هایی بر شیعیان اعمال شد و مراسم آنان به محافل خصوصی راه یافت (ناصری داودی، ۱۳۷۸، ص ۳۰)، اما در همین دوره، به‌ویژه پس از سلطان محمود، سنایی غزنوی محرم و عاشورا را دست‌مایه اشعار خود قرار می‌دهد و سروده‌های جانشوزی در شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش می‌سراید. (سنایی غزنوی، ۱۳۶۲، ص ۴۷۰ و ۴۵۰) این می‌تواند شاهدهی بر امکان اقامه مجالس عزاداری توسط شیعیان در این دوره زمانی باشد.

عصر تیموریان خراسان، به‌ویژه از دوره شاهرخ را می‌توان دوره دوم دانست. به طور کلی، در این زمان شیعیان در پیروی از عقاید و انجام شعایر خود آزادی عمل داشتند. در این دوره، عزاداری‌ها رسمی‌تر شده، از فراگیری بیشتری برخوردار شدند. عزاداری‌ها هم مشترک بودند و شیعه و سنی با هم عزاداری می‌کردند. با محبتی که تیموریان به اهل بیت پیامبر علیهم السلام داشتند و احترام و منزلتی که به علما، عرفا و سادات نشان می‌دادند، عزاداری امام حسین علیه السلام که از سال‌ها قبل در میان اهل سنت جای

باز کرده بود، به تدریج گسترش یافت و حتی به درون دربار تیموریان راه یافت. (سمرقندی، ۱۳۶۰، ص ۶۱۸ و ۶۲۴ / خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۶۱۸ و ۶۲۴) شواهد و قراینی را می‌توان در تأیید این مدعا شمار کرد. از شرکت برخی شخصیت‌ها و ارکان دولت تیموری و شعرسروده‌های برخی از بزرگان این دوره، مانند جامی می‌توان یاد کرد. عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸ق) با وجود داشتن مذهب حنفی، علاقه بسیار به خاندان عترت داشته و اشعاری نیز در این باره سروده است: (جامی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۴)

کردم ز دیده، پای سوی مشهد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین
 خدام مرقدش به سرم گر نهند پای حقا که بگذرد سرم از فرق فرقدین
 جامی گدای حضرت او باش تا شود با راحت وصال مبدل عذاب بین
 در این برهه زمانی، شرایط شیعیان به گونه‌ای بود که گاه به شکلی آشکار، آوردن نام دوازده امام را در خطبه‌ها و منابر درخواست می‌کردند. (اسفزاری، ۱۳۳۸، ج ۲، ص ۳۲۸ و ۳۲۹) محبت اهل بیت علیهم‌السلام در دوره تیموریان چنان فراگیر شده بود که گریه برای امام حسین علیه‌السلام در هرات جانشین ذکر مجالس صوفیانه گردیده بود. (الشیبی، ۱۳۷۴، ص ۲۶) برخی سلاطین تیموری، مانند ابولقاسم بابر (۸۵۲-۸۶۱) سکه به نام دوازده امام زدند و آن را به هیچ روی منافی با مذهب تسنن و امام ابوحنیفه نمی‌دانستند. (سمرقندی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۸۲ و ۱۸۳) *روضه الشهداء* که شهرت فراوانی در افغانستان و آسیای میانه داشته است (آقابزرگ، ۱۴۰۳ق، ج ۱۱، ص ۲۹۵)؛ در همین دوره به نگارش درآمد. نویسنده در مقدمه کتاب، وضعیت اجتماعی و شرایط مناسب فرهنگی خراسان برای اقامه عزاداری امام حسین علیه‌السلام را، از دلایل نگارش کتاب برمی‌شمرد. (کاشفی، ۱۳۳۴، ص ۱۲ و ۱۳) بی‌تردید، موضوعات و مطالب آن در مناطق مختلف هرات و خراسان و قلمرو تیموری بیان و تبلیغ می‌شد که بعداً بنا به تقاضا مکتوب شده است. این کتاب نقش مهمی در معرفی اهل بیت علیهم‌السلام، مصایب آنان و فراگیری مجالس عزاداری داشته است. (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۴، ص ۹۸)

این شواهد بیانگر این حقیقت‌اند که در دوره تیموریان، موفقیت شیعیان به گونه‌ای بود که می‌توانستند عقاید خود را آزادانه بیان کنند و به اقامه عزاداری برای امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا پردازند.

دوره سوم عزاداری‌ها، پس از تیموریان است که تا اوایل دوره عبدالرحمن‌خان را دربر می‌گیرد. پس از تیموریان، بخشی از خراسان که امروزه افغانستان نامیده می‌شود، به سه بخش تقسیم شد و صفویان، شیپانیان و گورکانیان بر این مناطق مسلط گردیدند. (غبار، ۱۳۵۹، ص ۲۸۱) کابل نیز که در این نوشتار مورد نظر است، جزئی از قلمرو گورکانیان هند شد. (غبار، ۱۳۵۹، ص ۳۰۶) با توجه به رفتار همراه با ملایمت گورکانیان با تشیع، می‌توان گفت که شیعیان کابل در سایه این سیاست گورکانیان، در برپایی مراسم عزای حسینی آزادی عمل داشته و با مانع‌چندانی روبه‌رو نبوده‌اند.

در دوره‌هایی که صفویان و به دنبال آنان افشاریه بر قسمت‌هایی از سرزمینی که امروزه افغانستان نامیده می‌شود، تسلط یافتند، به دلیل نوع حکومت‌داری‌شان در مناطق خارج از ایران، حکام ولایات را از مردمان غیربومی انتخاب می‌کردند؛ چنان‌که در قندهار گرگین گرجی را حاکم کرده بودند. این والیان، ناچار بودند تا با افراد قابل توجهی از ایل و تبار خود، اعم از مردان جنگی و خانواده‌هایشان به منطقه مأموریت خود بروند. از این‌رو، در دوره صفویه و افشاریه با ورود و سکناگزینی دسته‌هایی از اقوام و ایلات ایرانی‌تبار و شیعی‌مذهب روبه‌رو هستیم. اینان در مناطق گوناگونی، از جمله شهرهای کابل، قندهار، هرات و غزنین اقامت گزیدند و محلات خاصی را به خود اختصاص دادند. این گروه به همراه شیعیان بومی، جمعیت شیعی منطقه سکونت خود را تشکیل داده‌اند.

می‌توان گفت که این اقوام و گروه‌ها نیز، همانند دیگر شیعیان، در برپایی مراسم و شعایر مذهبی خود، از جمله عزاداری سیدالشهداء علیه السلام، هم‌اهتمام و هم‌به‌دلیل تسلطشان، آزادی عمل داشتند. اینان در شهرهای یادشده با شیعیان هزاره یا مستقل

از آنان، مجالس عزا برپا می‌کردند. تکیه‌خانه‌ها و عزاداری‌های قزلباش‌های کابل که عمدتاً در دو محله چنداول و مرادخانی ساکن بودند، از دیرباز در این شهر شهره بوده است. گمان برده می‌شود که بسیاری از نشانه‌های عزاداری، مانند زنجیرزنی، علم‌کشی و گهواره، توسط اینان از اصفهان به افغانستان آمده باشد.

پس از اقدام احمدشاه ابدالی در ایجاد ساختار سیاسی جدید و مستقل از ایران (۱۷۴۷-۱۷۷۵م)، همچنان شاهد به‌کارگیری عناصر ایرانی‌تبار و شیعه در اداره حکومت وی هستیم؛ به گونه‌ای که حتی بدنه اصلی گارد حفاظت شاهی را قزلباش‌ها تشکیل می‌دادند. (فرهنگ، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۳۶) حتی در عصر دوست‌محمدخان، بنا به گزارش چارلز میسن انگلیسی که در آن زمان در کابل به‌سر می‌برده شیعیان جمعیت قابل توجهی را در کابل تشکیل می‌دادند و میریزدان‌بخش بهسودی از سران مشهور هزاره، از قدرت و نفوذی فوق‌العاده برخوردار بود؛ به گونه‌ای که به گمان چارلز میسن، چنانچه اراده می‌کرد، می‌توانست موقعیت دوست‌محمدخان را به‌خطر اندازد. (نائل، ۱۳۷۲، ص ۱۴۹ و ۱۵۴) با توجه به این گزارش میسن و جایگاه قزلباشان در دستگاه حکومتی و نزدیکی آنان به حکومت، می‌توان گفت که شیعیان در افغانستان، به‌ویژه در کابل - که از عهد تیمورشاه درانی (۱۷۷۵-۱۷۹۳م) پایتخت کشور شد - در برپایی شعایر مذهبی خود آزادی عمل داشتند، و گزارشی مبنی بر منع آنان از برپایی شعایرشان در منابع نیامده است. از غائله‌ای که برضد شیعیان کابل (۱۸۰۳م) در زمان شاه‌محمود به‌وقوع پیوست، و شاه و وزیرش فتح‌خان به گونه‌ای آشکار جانب شیعیان را گرفتند، می‌توان موقعیت خوب شیعیان کابل را در این دوره به‌خوبی دریافت. در اواخر دوره اول حکومت شاه‌محمود، مخالفان وی برای سرنگونی او، قزلباش‌های کابل را - که شیعه‌مذهب بودند و طی نیم‌قرن حکومت ابدالیان، اردوی خاصه پادشاهی را تشکیل می‌دادند و در مقام دبیر و مستوفی مشغول بودند و به نوعی از پایه‌های استحکام شاه به‌شمار می‌آمدند - به بهانه‌ای مورد حمله و تعرض قرار دادند. آنان با همراهی میرواعظ، روحانی معروف وقت کابل، با تهییج احساسات

مذهبی عامه، مردم و حتی سربازان اردوی شاهی را به تعرض برضد قزلباش‌های شیعه واداشتند. شاه‌محمود در این میانه جانب قزلباش‌ها را گرفت؛ ولی تلاش‌های وی و وزیرش فتح‌خان به جایی نرسید و خود وی هم از قدرت به‌زیر کشیده شد. (فرهنگ، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۱ / کاتب هزاره، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۶ / الفستن، ۱۳۸۸، ص ۵۲۴ و ۵۲۵) به‌نظر می‌رسد، این شرایط کمابیش تا اوایل دورهٔ عبدالرحمن‌خان وجود داشته است. بنا به گزارش نویسندهٔ **عین الوقایع**، که خود شاهد عینی بود، این امیر در سال‌های نخستین زمامداری خود (۱۸۸۶م)، همانند دیگر زمامداران افغانستان در مراسم عزاداری شیعیان شرکت می‌جست و حتی از بیت‌المال به تکیه‌خانه‌ها برای مصارف عزاداری کمک می‌کرد. (هروی ریاضی، ۱۳۶۹، ص ۱۷۵)

دورهٔ چهارم عزاداری، از برخورد خشن و وحشیانهٔ عبدالرحمن‌خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱) با شیعیان و مردم مناطق هزاره‌جات (فرهنگ، ص ۳۹۹ تا ۴۰۴) آغاز می‌شود و تا زمان صدارت شاه‌محمود (۱۹۴۷م)، عمو و صدراعظم ظاهرشاه، به‌طول می‌انجامد. در سال ۱۸۹۳م، هم‌زمان با کشتار مردم هزارهٔ شیعه، حکم تکفیر شیعیان به درخواست این امیر صادر می‌گردد. این امر موجب می‌شود که شرایط بر شیعیان در سرتاسر کشور سخت گردد. افزون بر غارت و مصادرهٔ اموال، قتل، زندان و تبعید بزرگان، سرشناسان، و روحانیون شیعه، از برگزاری هرگونه عزاداری برای ائمه علیهم‌السلام به‌طور جدی منع می‌شود و تکیه‌خانه‌ها و حسینیه‌های شیعیان در اختیار علما و طلاب اهل سنت قرار می‌گیرد. (ریاضی هروی، ۱۳۶۹، ص ۲۳۷ و ۲۲۶)

پس از مرگ عبدالرحمان‌خان (۱۹۰۱م) و در حکومت حبیب‌الله‌خان (۱۹۰۱-۱۹۱۹م)، با وجود بازتر شدن فضای سیاسی اجتماعی، انجام شعایر شیعیان با ممانعت روبه‌رو می‌شود، به گونه‌ای که در سال ۱۹۰۳م، وقتی عده‌ای از قزلباشان کابل مجلس منقبت‌خوانی برگزار می‌کنند، با آنان به‌شدت برخورد می‌شود و عده‌ای مقتول، برخی جریمه و گروهی دیگر تبعید می‌گردند. (همان، ص ۲۵۴) کمی بعدتر، فرمان رسمی حکومتی مبنی بر منع هرگونه مدح و تعزیهٔ ائمه علیهم‌السلام توسط شیعیان

صادر می‌شود. در پی آن، تکیه‌خانه‌ها و حسینیه‌های شیعیان بسته و آنان ملزم به حضور در نمازهای جماعت مساجد اهل سنت می‌گردند. (همان، ص ۲۵۵)

وی برای تکیه‌خانه‌های شیعیان در کابل محراب ساخت و آنها را به مسجد تبدیل و برای آنها مؤذن و امام جماعت سنی تعیین کرد. (پولادی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۵)

با روی کار آمدن شاه‌امان‌الله (۱۹۱۹-۱۹۲۹م) تعصبات به طور عمومی در افغانستان کاهش یافت؛ زیرا وی برنامه‌های مترقیانه‌ای را طراحی و اجرا کرد که با تعصبات قومی و مذهبی سازگار نبود. (بختیاری، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳) شیعیان در دوره شاه‌امان‌الله آزادی‌های مذهبی بیشتری به دست آوردند و مراسم مذهبی و تکیه‌خانه‌های پیروان مذهب امامیه عملاً آزاد شد. (غبار، ۱۳۵۹، ص ۷۹۴) پس از وی، در زمان حبیب‌الله کلکانی (۱۹۲۹م) و نادرشاه (۱۹۲۳-۱۹۲۹م) وضعیت به زمان گذشته برمی‌گردد و برگزاری شعایر مذهبی شیعیان، از جمله عزاداری‌های حسینی، با ممانعت‌هایی روبه‌رو می‌شود.

در دورهٔ چهل‌سالهٔ حکومت محمدظاهرشاه (۱۹۳۳-۱۹۷۳م) که فراز و فرودهایی داشت، افغانستان دوره‌هایی از اختناق و برخی آزادی‌های اجتماعی را تجربه می‌کند. اوایل حکومت ظاهرشاه و در دورهٔ صدارت هاشم‌خان (۱۹۲۳-۱۹۴۶م)، سیاست محدودیت‌های مذهبی با شدت بیشتری تعقیب می‌شد و حکومت به شدت فعالیت مخالفان، از جمله شیعیان را کنترل و سرکوب می‌کرد.

دورهٔ پنجم، پس از اتمام صدارت هاشم‌خان - که با پایان جنگ دوم جهانی همراه است - آغاز می‌شود که برخی زمینه‌های آزادی اجتماعی سیاسی در کشور به وجود می‌آید. در همین دوره، علماء و روحانیون شیعه با رویکردی مسالمت‌آمیز تلاش کردند تا وضعیت شیعیان را بهبود بخشند. آغازگر این تلاش‌ها، آیت‌الله حجت کابلی بود که با استفاده از شیوه‌های ملایم، فضای مناسبی را برای انجام آشکار شعایر مذهبی شیعیان فراهم ساخت. وی پس از مدت‌ها ممنوعیت برگزاری عزاداری‌ها و انجام شعایر مذهبی و برخوردهای قهری دولت، توانست با تأسیس تکیه‌خانهٔ عمومی،

در محله شیعی نشین چن‌داول کابل، به برپایی مراسم عزاداری‌های ماه محرم اقدام کند. با این اقدام، به تدریج حسینیه‌ها و تکیه‌خانه‌های متعددی در کابل فعال شدند و مراسم عاشورای حسینی با شکوه و ابهت بیشتری برگزار شد؛ به گونه‌ای که اعضای کابینه دولت و حتی شاه در مراسم عزاداری دهه محرم در تکیه‌خانه‌ها و حسینیه‌های شیعیان حضور می‌یافتند.

از دهه چهل شمسی به بعد، فضای سیاسی کشور بازتر شد و احزاب سیاسی امکان فعالیت بیشتری یافتند. این دوره که به دهه دموکراسی معروف است، مراسم سوگواری و عزاداری‌های ماه محرم، هم رونق و گسترش بیشتری یافت و هم رنگ‌وبوی سیاسی و مبارزاتی به‌خود گرفت. برخی از تکیه‌خانه‌ها محل و کانون فعالیت‌های سیاسی اجتماعی جوانان مبارز و تحصیل‌کرده شیعه شد.^۱

در سال‌های نخستین پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ و شروع مقاومت اسلامی و مردمی برضد نیروهای اشغالگر ارتش سرخ، در دوره‌های نورمحمد تره‌کی و حفیظ‌الله امین و حاکمیت جناح خلقی‌ها (۱۹۷۸-۱۹۷۹م) شرایط سیاسی اجتماعی کشور به شدت دگرگون شده و حکومت کمونیستی کابل موجی از رعب و وحشت ایجاد کرده، و به سرکوب و زندانی کردن و قتل ده‌ها هزار تن از اقشار مختلف مردم اقدام نمود. نوک پیکان این سرکوبی‌ها و خشونت، متوجه شیعیان و افراد و روحانیون سرشناس آنان بود. ناگفته پیداست که در چنین شرایطی، وضعیت برپایی مراسم عزاداری‌های محرم چگونه بوده است. با تغییر جناح در حاکمیت و روی کار آمدن پرچی‌ها، در دوره ببرک کارمل (۱۹۷۹-۱۹۸۶م)، به‌ویژه دکتر نجیب‌الله (۱۹۸۶-۱۹۹۲م)، که سیاست مصالحه ملی را در پیش گرفتند (اندیشمند، ۱۳۸۸، ص ۳۵۰ و ۴۸۶)، شیعیان فرصت و فضای بهتر و بازتری برای فعالیت‌های خود یافتند. در این دوره، حتی دولت به تکیه‌خانه‌ها و مساجد کمک‌های مالی می‌کرد که بعضی‌ها می‌پذیرفتند و برخی دیگر رد می‌کردند.

۱. مانند تکیه‌خانه سیدمجیر در سرک‌سخی، و جمال‌مینه که برخی از اعضای جنبش جوانان شیعه با نام پاسداران اسلامی افغانستان (پ.ا.ا) در آنجا فعالیت‌های خود را سازمان می‌دادند.

۲. چگونگی برگزاری آیین‌های عزاداری ماه محرم در کابل

در کابل، همه‌ساله با فرا رسیدن ماه محرم، مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام در تکیه‌خانه‌ها، حسینیه‌ها و مساجد شهر برگزار می‌شود. مسجد و تکیه‌خانه، مراکز مهم تجمع مذهبی شیعیان است که در آنها فعالیت‌های مذهبی گوناگون، از جمله عزاداری‌های ماه محرم صورت می‌گیرد. (موسوی کابلی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۶) اهل سنت نیز به گرامی‌داشت عزاداری حسینی اقدام می‌کنند. آنان به‌ویژه در شب دهم، روز عاشورا و شب یازدهم، مجالس نعت‌خوانی، مدیحه‌سرایی، ذکر و ختم قرآن در مکان‌های مذهبی، مانند مسجد «شاه دوشمشیره»، «شهدای صالحین» و «جابر انصار» برگزار می‌کنند. همچنین، شماری از آنان با شرکت در تکیه‌خانه‌های شیعیان، همدلی خویش را نشان می‌دهند.

۱-۲. آمادگی تکایا

هفته‌ها پیش از فرا رسیدن ماه محرم، مسئولان تکیه‌خانه‌ها و حسینیه‌های شهر - که غالباً شخص تکیه‌دار، جمعی از ریش‌سفیدان و فراشان هر تکیه‌خانه می‌باشند - برای برگزاری مراسم تصمیم می‌گیرند و برای آراستن محل عزاداری به پارچه‌های سیاه و علایم عزا، و دعوت از سخنران یا سخنرانان، برنامه‌ریزی می‌کنند.

۲-۲. زمان آغاز و ختم مراسم

تقریباً در همه تکیه‌خانه‌های شهر کابل، از اول تا سیزدهم محرم، مراسم عزاداری برگزار می‌شود. برخی تکیه‌خانه‌ها هم یکی دو روز زودتر مراسم را آغاز می‌کنند و یکی دو روز دیرتر پایان می‌دهند. تکایایی هم که از شهرت و سابقه کمتری برخوردارند، مجالسشان را دیرتر شروع می‌کنند و روز دهم به پایان می‌رسانند. معمولاً روزهای آغازین، مراسم حالتی معمولی دارد؛ اما پس از چند روز، و به طور عمده از روز هفتم به بعد، مجالس با شور و هیجان و جمعیت بیشتری برگزار می‌شود.

۲-۳. زمان عزاداری‌ها

در کابل، مراسم دهه و عزاداری‌ها، هم در روز و هم در شب برگزار می‌شود. معمولاً مراسم شبانه پس از نماز مغرب و عشا آغاز می‌گردد و در آخر شب پایان می‌یابد. مجالس روزانه، یا پیش از چاشت است یا پس از آن. شیوه زمان‌بندی به گونه‌ای است که دو برنامه هم‌زمان انجام نشود. به عبارت دیگر، در روزهای محرم، در هر روز، سه بار و سه برنامه انجام می‌شود: پیش از ظهر، بعد از ظهر و شب. در تکیه‌خانه‌های معروف شهر یا تکیه‌خانه‌هایی که وابسته به برخی تکیه‌داران نامدار است، روزها مجالس زنانه‌خوانی برگزار می‌شود که ویژه بانوان است و گردانندگان، اعم از مجریان و سخنرانان، از بانوان می‌باشند. شرح چگونگی برگزاری این مجالس، در ادامه این نوشتار خواهد آمد.

۲-۴. مکان برگزاری مراسم

مراسم عزاداری دهه محرم در تکیه‌خانه‌ها، حسینیه‌ها و برخی مساجد برگزار می‌شود. تکیه‌خانه‌ها بر دو نوع‌اند: عمومی، و شخصی مانند تکیه‌خانه‌های خانوادگی و فصلی. (هدی، ۱۳۶۵، ص ۲۵) برگزاری تکیه‌ها در خانه‌های شخصی، ابتدا به این دلیل بود که مردم حق نداشتند عزاداری علنی انجام دهند و انجام آن با هزار ترس و لرز و گذاشتن دیده‌بان و... به طور سری در خانه‌ها صورت می‌گرفت؛ اما بعدها برپایی مراسم در خانه‌ها کم‌کم تبدیل به یک فرهنگ اجتماعی شد. تکیه‌خانه‌ها در کابل غالباً دارای مکان و ساختمان‌اند. ولی مکان تکیه‌خانه، در کل محدودیت به جایی خاص ندارد. برخی تکایا در منازل شخصی که معمولاً صاحب تکیه است، برگزار می‌شود.

از آنجا که مراسم اصلی به طور مشترک بین زن و مرد برگزار می‌گردد، تکایا دارای دو بخش زنانه و مردانه‌اند. بخش مردانه طبقه پایین و بخش زنانه طبقه بالای تکیه را شامل می‌شود. در تکایایی هم که یک طبقه است، بخش نزدیک به منبر

مردانه و بخش حاشیه‌ای‌تر تکیه قسمت زنانه را تشکیل می‌دهد. بین این دو قسمت را با چادر از هم جدا می‌سازند. در فصول گرم سال، پشت بام تکایا برای استفاده زنان اختصاص داده می‌شود.

در بین شیعیان کابل، محل تکیه‌خانه، حتی خانه‌ای که تکیه می‌شود، برای مردم حالت تقدس دارد و مردم در طول سال برای حاجات خود به تکایا مراجعه می‌کنند. حتی اعضای خانواده‌ای که تکیه دارند، مورد احترام‌اند و مردم انتظار دارند که آنان افراد صالح و خوبی باشند.

۲-۵. پذیرایی

در ایام محرم، در تکیه‌خانه‌های کابل نذورات خاصی صورت می‌گیرد که از ناحیه آن مردم اطعام می‌شوند. اطعام عزاداران در ایام عزاداری، با توجه به توان مالی و اقتصادی تکیه‌خانه‌ها صورت می‌گیرد. تکیه‌خانه‌ها و حسینیه‌هایی که توان مالی بهتری دارند، از روزهای نخست، عزاداران را اطعام می‌کنند. برخی تکایا از روز هفتم، و تکایایی هم که توان مالی کمتری دارند، روزهای نهم یا فقط روز عاشورا برنامه اطعام دارند.

متولیان اطعام، گاهی افراد و گاهی گروه‌ها هستند. نوع اطعام، با توجه به تمکن مالی، سلیقه افراد و فرهنگ مردم متفاوت است. معمولاً اطعام به گونه پذیرایی با نان و حلوا، شیرچای، قیماق‌چای،^۱ پلو، کلوجه، شله‌زرد و شوربا می‌باشد.

۲-۶. ترتیب پذیرایی

معمولاً در تکیه‌خانه‌ها ابتدا مردان پذیرایی می‌شوند و بعد زنان و کودکان. در گذشته، برخی تکایا به دلیل محدودیت در مکان، فقط مردان را اطعام می‌کردند و به زنان و کودکان غذا داده نمی‌شد.

۱. قیماق‌چای، ترکیبی از چای و خامه است که به آهستگی با هم مخلوط و آرام آرام جوشانده می‌شود.

۲-۷. نام‌گذاری روزها

در کابل نیز همانند دیگر مناطق افغانستان، برخی روزهای دههٔ محرم به افرادی خاص نسبت داده و به نام آنها نام‌گذاری می‌شود. مثلاً روز پنجم به نام علی‌اکبر علیه السلام، روز ششم به نام قاسم علیه السلام، روز هفتم به نام حضرت عباس علیه السلام و روز نهم به علی‌اصغر علیه السلام نسبت داده می‌شود. نوحه‌های نوحه‌خوانان و سخنرانی خطبا نیز در آن روز بیشتر بر محور همان شخصیت دور می‌زند.

۲-۸. علایم و نمادها

در گذشته، استفاده از نمادها و علایم در عزاداری‌های شیعیان کابل به نسبت دیگر مناطق شیعه‌نشین مانند ایران، شبه‌قاره یا کشورهای عربی، بسیار کمتر بود و هیئت‌های عزاداری با کمترین بهره‌گیری از علامت‌ها و نمادها، آیین‌های عزاداری خود را برگزار می‌کردند؛ اما در سال‌های اخیر، آداب و رسوم ایرانی توسط مهاجران بازگشته از ایران، روی شیوهٔ سنتی عزاداری افغانستان بسیار تأثیر گذاشته و شعایر و نمادهای جدیدی را رواج داده که چهرهٔ شهر را به گونه‌ای محسوس عوض می‌کند. البته باید یادآوری کرد که شروع این تغییرات را می‌توان از سال‌های ۱۳۴۰ به بعد پیگیری کرد که رفت‌وآمد شیعیان به ایران گسترش یافت و در دورهٔ داودخان به اوج خود رسیده بود. برخی علامت‌ها و نمادها را در همهٔ هیئت‌های عزاداری می‌توان دید که تقریباً در کابل و دیگر مناطق افغانستان یک‌سان می‌باشد. علم، گهواره و پرچم‌نوشته‌های سیاه، سرخ و سبز، از جملهٔ این نمادها هستند.

۲-۸-۱. علم: علم، چوب بلندی است که در قسمت بالای آن به یاد دستان بریدهٔ حضرت عباس علیه السلام، پنجهٔ دستی قرار می‌دهند. در طول دههٔ محرم، مردم به طور نیتی پارچه‌هایی گاه با مقداری پول به چوبهٔ علم می‌بندند. در پایان مراسم عزاداری، این پارچه‌ها را به صاحبان تکیه، ذاکران و روحانیان می‌دهند یا به نشان تبرک، بین مردم تقسیم می‌کنند. علم، نماد حضرت عباس علیه السلام به عنوان علمدار سپاه امام حسین علیه السلام می‌باشد.

شب هفتم، مراسم علم‌کشی برگزار می‌شود. علم را پیش‌تر در جای دیگر آماده می‌کنند و به آن گل و گلاب می‌زنند. سپس طی مراسمی خاص، علم را به نزدیکی تکیه می‌آورند. در همان حال، سخنران مجلس ضمن خواندن نوحه حضرت عباس (ع) دستور آوردن علم را می‌دهد. علم را با اشعاری خاص،^۱ در حالی که جمعیت منقلب و گریان است، وارد تکیه‌خانه می‌کنند و در جای مخصوص خود - که معمولاً جایی وسط تکیه‌خانه است - قرار می‌دهند. با قرار گرفتن علم در جای خود، عزاداران صلواتی می‌فرستند و سخنران مجلس دعای بسیار کوتاهی می‌کند و مجلس را به سرفراش تحویل می‌دهد.

۲-۸-۲. گهواره: در بیشتر تکیه‌خانه‌های کابل، به یاد کودک شیرخواره امام حسین (ع) گهواره‌ای می‌سازند و روی آن را با پارچه‌های سبز و سفید می‌پوشانند. روی پارچه‌ها، سوراخ‌هایی به نشانه اصابت تیر ایجاد می‌کنند. روز یا شب نهم، اواخر سخنرانی خطیب مجلس، عده‌ای با شور و هیجان خاص و اشعاری که مرتب تکرار می‌شود، گهواره را میان جمعیت می‌آورند. هم‌زمان، سخنران روضه علی‌اصغر (ع) را می‌خواند و مجلس را تحویل سرفراش و سینه‌زنان می‌دهد.

۲-۹. زنانه‌خوانی^۲

در برخی تکایای معروف کابل، روزها مجالس زنانه‌خوانی برگزار می‌گردد. این مجالس، غالباً پیش از ظهر و با اطلاع قبلی تشکیل می‌شود. پس از جمع شدن شرکت‌کنندگان، ذاکران و نوحه‌خوانان، سرذاکر - که مسئولیت اداره مجلس را بر عهده دارد - با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد (ع) در حالی که دیگر نوحه‌خوانان وی را همراهی می‌کنند، جلسه را آغاز می‌کند. پس از آن، دختران نوحه‌خوان به ترتیب سن و رتبه‌شان در نوحه‌خوانی، نوحه می‌خوانند.

۱. مانند: این علم از کیست که بی‌صاحب است این علم از ماه بنی‌هاشم است.

۲. منبع این بخش از نوشتار، مصاحبه خانم سلیمه علی‌پور، دختر سیدمجیر کربلایی، از تکیه‌داران منطقه کارته‌سخی کابل است. تکیه‌خانه سیدمجیر، نخستین تکیه‌خانه در کارته‌سخی است.

پس از آن، سرذاکر نوحه‌خوانی می‌کند و مجلس را که اکنون آماده شده است، تحویل خانم سخنران می‌دهد. وی که عنوان آخوند مجلس را دارد، در سخنرانی خود به بیان احکام و ذکر حادثه عاشورا می‌پردازد و در پایان، روضه می‌خواند و مجلس را با دعا ختم می‌کند. پس از مراسم نیز از شرکت‌کنندگان با چای پذیرایی می‌شود. در پایان مراسم و روز آخر، صاحب‌خانه یا صاحب‌تکیه، مبلغی پول با پارچه‌ای نفیس به سخنران می‌دهد. به سرذاکر هم که در جریان اجرای مراسم، همیشه چادری سبز به سر دارد، پارچه‌ای خاص چادر می‌بخشد. به هر کدام از دختران نوحه‌خوان نیز دستمال ابریشمی هدیه می‌کند.

مجالس زنانه‌خوانی، معمولاً پس از پایان روز سیزدهم تا روز چهل و هشتم نیز به صورت هفتگی ادامه می‌یابد. در این روز نذری با عنوان نذر دیگچه، به نام حضرت زینب علیها السلام پخته می‌شود. افرادی که خواسته یا حاجتی دارند، در تهیه این نذر مشارکت می‌کنند. غذای نذری، برنجی است که به صورت شله با گور^۱ یا شکر سرخ پخته می‌شود. این شله، همراه با قورمه‌ای - که با توجه به توان مالی افراد، متفاوت است - بین شرکت‌کنندگان که همگی زن هستند، پخش می‌شود.

۲-۱۰. صلوات‌خوانی

صلوات‌خوانی یا صلوات فرستادن، به این معناست که بین سخنان دو سخنران یا پیش از آغاز صحبت‌های خانم مجلس، فرد یا افرادی برای استراحت و تنفس آنها، یا به دلیل هیجانی که به صلوات‌خوان‌ها دست می‌دهد، در جاهای گوناگونی از مجلس برخاسته و به گونه‌ای آهنگین چند بیت شعر می‌خوانند و در آخر، جمعیت را به فرستادن صلوات وامی‌دارند.

ابیاتی که خوانده می‌شود، بیشتر رباعی، قصیده یا بخشی از قصیده در شأن پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است. گاهی نیز دو نفر یا بیشتر، هم‌زمان شروع به صلوات‌خوانی می‌کنند. به این حالت مقابله‌خوانی می‌گویند.

۱. گور، شکری است که مراحل تصفیه آن کامل نشده است و مردم افغانستان از آن به عنوان شیرین‌کننده استفاده می‌کنند و خاصیت دارویی برای آن قایل‌اند.

۲-۱۱. سبک عزاداری

در کابل، خارج از تکیه‌خانه‌ها و حسینیه‌ها، دسته‌های عزاداری راه نمی‌انداختند؛ اما از شب هفتم به بعد، دسته‌های سینه‌زن از تکیه‌ای به تکیه دیگر می‌رفتند و در آنجا برنامه سینه‌زنی و عزاداری اجرا می‌کردند. در اوایل که آزادی‌ها کمتر بود، تنها خود سینه‌زنان می‌رفتند. بعدها که کمی آزادی‌ها بیشتر شد، علم‌کشی هم اضافه شد و دسته‌های سینه‌زن علم را نیز همراه می‌بردند. رفتن دسته سینه‌زنان تکیه‌ای به تکیه دیگر را در کابل «مجرایی»^۱ می‌گویند.

این علم‌کشی‌ها، معمولاً به جاهای مهم است؛ مانند زیارت سخی، زیارت ابوالفضل در مرادخانی، تکیه عمومی چنداول، پنج‌تن و شهدای صالحین. در پایان مجلس، تکیه میزبان از تمام دسته سینه‌زنان میهمان با شیرچای یا قیماق‌چای پذیرایی می‌کند. نحوه سینه‌زنی در داخل تکیه‌خانه‌ها به این صورت است که سینه‌زنان در صف‌های مرتب به شکل دایره یا مستطیل می‌نشینند. همه سینه‌زنان پیراهن‌های سیاهی به تن دارند که جلو سینه و پشت آن باز است. برخی هم هنگام سینه‌زنی پیراهن‌های خود را درمی‌آورند. گفته می‌شود که نشسته سینه‌زدن، یادگار دوران ممنوعیت عزاداری‌های حسینی است که مردم در زیرزمین‌های خانه‌هایشان - که غالباً سقف پایینی دارند - مراسم عزاداری را اجرا می‌کردند.

در اثنای سینه‌زنی، برخی نیز هماهنگ با سینه‌زنان به حالت ایستاده در میان جمع زنجیر می‌زنند. زنجیرها غالباً ساده‌اند و به دلیل مخالفت‌ها، خیلی کم از زنجیرهای تیغ‌دار استفاده می‌شود. با این حال، برخی بر استفاده از آن اصرار دارند. زنجیرها چند نوع‌اند: بی تیغ و تیغ‌دار. زنجیر تیغ‌دار نیز خود چندین نوع است: بادامی، شاهپردار و... . نظم و ترتیب و اداره سینه‌زنان و اینکه چه کسانی «بهر سینه»^۲ بخوانند، بر عهده سرفراش است.

۱. مجرایی، رفتن دسته عزاداری یک تکیه‌خانه به تکیه‌خانه دیگر، و به نوعی پاسخ به آمدن دسته تکیه‌خانه مقابل است.

۲. بهر سینه (برای سینه) همان نوحه است با ریتم موسیقایی در پرده‌های گوناگون، که با آن به گونه‌ای هماهنگ سینه‌زنی یا زنجیرزنی می‌شود. بهر سینه‌ها در کابل دو گونه‌اند: «لم» یا آهسته، که سرعت سینه‌زدن کمتر است؛ و «تیز» که سرعت سینه‌زدن تند می‌شود.

۲-۱۲. تشکیلات تکایا و حسینیه‌ها در کابل

عناصر مهم تکیه‌خانه در کابل عبارت‌اند از: ۱. تکیه‌دار؛ ۲. سرفراش و فراشان؛ ۳. سرذاکر و ذاکرها؛ ۴. عزاداران؛ ۵. خاتم مجلس.

۲-۱۲-۱. تکیه‌دار

تکیه‌دار معمولاً از افراد نامدار، سرشناس و بزرگان شیعه است. از این‌رو، تکیه‌خانه‌ها در کابل غالباً به اسم افراد یا گروه‌های قومی یاد می‌شود؛ مانند تکیه‌خانه آقای حجت؛ یا تکیه‌خانه غزنی‌چی‌ها، کشمیری‌ها و... سابقه تکیه‌داری در کابل بی‌گمان به سابقه حضور شیعیان در این شهر و اهتمام آنان در برپایی مراسم عزاداری حسینی برمی‌گردد.

تکیه‌دار، معمولاً به احترام عزاداران حسینی و به‌عنوان میزبان بر روی چهارپایه‌ای در ورودی حسینیه یا تکیه‌خانه می‌نشیند و از واردشوندگان استقبال می‌کند. برخی تکایا هم در ورودی‌شان منقل و اسپند می‌گذارند و با ورود عالم یا یکی از علما و سادات سرشناس، مقداری اسپند داخل منقل می‌ریزند و صلوات می‌فرستند.

۲-۱۲-۲. فراش‌ها

فراش‌ها یک گروه بسیار مهم در سازمان تکیه‌خانه‌ها هستند. آنان مسئولیت اصلی برگزاری و برپایی مراسم عزاداری ایام محرم را از ابتدا تا انتها بر عهده دارند. برخی تکایا که بیشتر جنبه خانوادگی دارند، ممکن است فراش نداشته باشند. فراشان یک سرفراش نیز دارند. سرفراش، فردی مدیر، خوشنام و مورد احترام و اعتماد همگان است. وی دارای ابتکار بوده و درک درستی از امکانات دارد و همه، حتی تکیه‌دار، از وی حرف‌شنوی دارند. سرفراش، معمولاً تا پایان عمر یا تا وقتی که به لحاظ جسمی ناتوان نشده باشد، به اجرای وظیفه می‌پردازد.

سرفراش و فراشان به دلیل همکاری طولانی و تجارب کاری، به حدی از هماهنگی می‌رسند که دستورها در جریان مراسم با ایما و اشاره به فراشان منتقل و وظایفشان به آنها گوشزد می‌شود.

- وظایف فراشان:** فراشان مسئولیت برگزاری مراسم عزاداری از آغاز تا پایان را برعهده دارند. برخی از این وظایف عبارت‌اند از:
۱. **آراستن تکیه و سیاه‌پوش کردن آن:** در کابل، تمام در و دیوار تکیه را سیاه‌پوش می‌کنند و روی آن را با پارچه‌نوشته‌های حاوی اشعار حسینی می‌پوشانند. در پایان عزاداری، طی مراسم خاصی تکیه را به اصطلاح جمع می‌کنند.
 ۲. **اجرای هر روزه مراسم و پذیرایی از عزاداران.**
 ۳. **تهیه غذا:** این وظیفه شامل آمادگی و پخت‌وپز نذورات، تهیه مواد اولیه، و پخت و پخش غذا بین عزاداران است.
 ۴. **نظم و امنیت مجلس:** نظم و انضباط و لحاظ کردن مسائل امنیتی مجالس، از دیگر وظایف فراشان است.
 ۵. **آوردن و بردن سخنران:** آوردن و بردن ملا یا خاتم مجلس از خانه به تکیه و از تکیه به خانه یا هرجایی که خاتم بخواهد، برعهده فراشان است.
 ۶. **مدیریت مالی:** جمع‌آوری پول و اعانات، برآورد مصارف، خرید و تهیه مواد و وسایل، مصرف و گزارش آن در پایان مراسم، از وظایف مالی فراشان است. عمل و نحوه کار فراشان، با توجه به شرایط، تکیه به تکیه فرق می‌کند؛ حتی تیپ فراشان. در برخی تکایا، فراشان لباس مخصوص می‌پوشند. برای مثال، چین‌های سیاه می‌پوشند که بازوبندهایی با واژه‌هایی نظیر یاحسین و یا عباس روی آن بسته شده است.
- ۲-۱۲-۳. سرداگر**
- سرداگر فردی است که گرداندگی برنامه روضه‌خوانی یا نوحه‌خوانی را هر روز از آغاز تا پایان برعهده دارد. نقش سرداگر چیزی شبیه مجری برنامه است. وی پای منبر و چسبیده به آن می‌نشیند و برنامه‌ها را هدایت می‌کند. برنامه نوحه‌خوانی، سخنرانی و ختم آن، به طور معمول هر روز اجرا می‌شود؛ اما شروع برنامه‌ها با سرداگر است. پس از آن نوحه‌خوانی اجرا می‌شود و به دنبال آن

۱. چین، پوشش محلی خاص مردان است که روی لباس و بر شانه می‌اندازند؛ چیزی شبیه عبای روحانیون. در مناطق شمالی افغانستان، زن‌ها نیز چین می‌پوشند.

برنامه سخنرانی است. معمولاً پیش از سخنان خاتم مجلس، یک یا دو تن از روحانیون منبر می‌روند. خاتم مجلس که از خطبای نامدار است، در پایان سخنرانی خود، مجلس را برای اجرای برنامه سینه‌زنی به سرفراش می‌سپارد. کار سینه‌زنی و رتق و فتق آن، از وظایف سرفراش است. کار سرذاکر با کار خاتم مجلس، یک‌جا به پایان می‌رسد.

۲-۱۳. برنامه روزانه هر تکیه‌خانه

در تکیه‌خانه در یک روز، معمولاً چهار برنامه اجرا می‌شود:

۲-۱۳-۱. شروع برنامه و نوحه‌خوانی

آغاز برنامه‌ها با سرذاکر است. وی ابتدا چند نوحه مخصوص را با آهنگ خاص می‌خواند و بچه‌های نوحه‌خوان بندهایی از آن را تکرار می‌کنند. این دم‌گرفتن سرذاکر، به مدت پنج تا ده دقیقه طول می‌کشد تا مجلس آماده شود. بعد در پایان صلواتی می‌فرستد و نوبت به نوحه‌خوانی می‌رسد.

شروع نوحه‌خوانی با افراد تازه‌کار است و به ترتیب افراد باتجربه‌تر نوحه‌خوانی می‌کنند. اینکه چه کسی و چه اندازه نوحه بخواند، وظیفه سرذاکر است. هنگام نوحه‌خوانی، در هر بندی نوحه‌خوانان بی‌تی از آن را تکرار می‌کنند. مقدار نوحه‌خوانی و اینکه یک فرد چند بیت بخواند، درجه اهمیت نوحه‌خوان را می‌رساند. اگر نوحه‌خوانی خیلی خوب بخواند و به درجه‌ای از پختگی برسد که بتواند مجلس را بگریاند، اجازه می‌یابد در پله دوم منبر بنشیند و علاوه بر نوحه، مقداری هم صحبت کند. با نوحه‌خوانی بهترین نوحه‌خوان، برنامه نوحه‌خوانی تمام می‌شود و وظیفه مستقیم سرذاکر در این مرحله پایان می‌یابد.

۲-۱۳-۲. سخنرانی

پس از نوحه‌خوانی، نوبت به سخنرانی روحانیان می‌رسد که پیش از خاتم مجلس منبر می‌روند. آنان نیز با توجه به درجه اهمیت خود منبر می‌روند و منبر را به یکدیگر تحویل می‌دهند تا نوبت به خاتم مجلس برسد. خاتم مجلس معمولاً از خطبای سرشناس است. گاهی درجه اهمیت یک تکیه، از خاتم آن مشخص می‌شود. تکایایی

که خاتم سرشناس دارند، نزد مردم از اهمیت بیشتری برخوردارند. برخی تکایا همیشه خاتم ثابت دارند و برخی تکایا هم هر ساله خاتم جدیدی را دعوت می‌کنند.

۲-۱۳-۳. بارخوانی و سینه‌زنی

پس از پایان سخنرانی خاتم که همراه با دعاست، سرفراش ادارهٔ مجلس را برعهده می‌گیرد. وی با فرستادن صلواتی نظم جدیدی به مجلس می‌دهد و صف‌بندی سینه‌زنان و زنجیرزان را مشخص و مرتب می‌کند. سرفراش در این مرحله در کنار علم مستقر می‌شود و بر جریان سینه‌زنی نظارت می‌کند. بارخوان‌ها هم با اجازهٔ وی بار می‌خوانند.

شروع مجلس سینه‌زنی و زنجیرزنی، با بار لم یا کند، و ختم مجلس با بار تیز یا تند است. برای مثال، در آخر برنامهٔ سینه‌زنی، بار تندی خوانده می‌شود؛ یک یا دو بیت. جمعیت سینه‌زن و زنجیرزن نیز هماهنگ با آن سینه و زنجیر می‌زنند. سپس در وسط کار، ناگهان سرفراش یک یا حسین بلند می‌گوید و مجلس ختم می‌شود. در پایان مجلس به افراد، اعم از سینه‌زنان و دیگر شرکت‌کنندگان، شیرچای یا قیماق‌چای معروف کابلی داده می‌شود.

۲-۱۴. مواد شعری نوحه‌ها و بارسینه‌ها

اشعاری که در بارسینه‌ها و نوحه‌ها خوانده می‌شود، از شاعران و اشعار آیینی است؛ دیوان باقی، کلیات جودی و کتاب‌هایی که از ایران می‌آید. خود شاعران کابل هم شعر عاشورایی می‌سرایند که آهنگ و موسیقی کابلی به‌خوبی در شعرشان پیداست. این گونه اشعار - هم منقبت و هم نوحه - در گذشته بیشتر توسط قزلباش‌ها و مردم چنداول گفته می‌شد. (قابل‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۲۳۵ تا ۲۳۹؛ ص ۲۶۹ تا ۲۷۹)

اشعار شاعران کابلی، حتی به لحاظ محتوا، با موضوعات اشعار شاعران شیعی دیگر کشورها فرق دارد و بیشتر حاوی مضامین سیاسی و مطرح روز است. از همین رو می‌توان از محتوای شعر زمان سرودن آن را دریافت. برای نمونه، از مضمون ابیات

زیر که در چندوال کابل در استغاثه به امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) سروده شده، می‌توان فهمید که زمان سرودن آن، ایام جنگ دوم جهانی بوده است. بیا ای صاحب منبر، فلک روزم سیا کرده گره افکند در کارم، به هر غم مبتلا کرده زهر کنج جهان آقا، به گوش احوال جنگ می‌آید ولیکن دوستان تو به تو این التجا کرده مواد شعری بر دو نوع است:

الف) شعرهای متن: این اشعار به صورت روضه، نوحه و بارسینه خوانده می‌شود؛
ب) صلوات: صلوات در قالب رباعیاتی به شکل آهنگین پیش از سخنرانی خطیب مجلس خوانده می‌شود.

۲-۱۵. جمع کردن تکیه

جمع کردن تکیه، عملی نمادین است که غالباً در پایان مراسم در شب سیزدهم انجام می‌گیرد. فراشان و عزاداران علم را از جایگاه خود - که معمولاً در وسط تکیه‌خانه است - به محلی که تا سال بعد نگه داشته می‌شود، منتقل می‌کنند و به جای آن، علم کوچک‌تری در کنار منبر تا سال بعد قرار می‌دهند. فردای شب سیزدهم، فراشان تکیه‌خانه اقدام به جمع‌آوری سیاه‌پارچه‌ها و پارچه‌نوشته‌ها از تکیه می‌کنند. این کار همراه با مراسم روضه‌خوانی است و در پایان، تمام فراشان توسط صاحب تکیه اطعام می‌شوند.

۲-۱۶. چهلم

روز چهلم نیز در کابل از اهمیت خاصی برخوردار است. اربعین حسینی با همان ترتیب و خصوصیات روز عاشورا برگزار می‌شود و مردم اطعام می‌شوند. در برخی موارد، جمع کردن تکیه‌خانه تا اربعین متوقف می‌ماند. روز چهلم، روز جمع کردن نیز هست. با پایان مراسم اربعین، مراسم محرم و عزاداری حسینی نیز تا سال آینده به پایان می‌رسد. البته در کابل روزهای جمعه یا پنجشنبه یا روزهای میان هفته، در بیشتر تکیه‌خانه‌ها نوحه‌خوانی و مراسم ادامه دارد؛ اما نه با آن شکوه و جمعیت ماه محرم.

منابع

۱. الشیبی، کامل مصطفی، تشیع و تصوف، ترجمه علیرضا ذکاوتی قره‌گوزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
۲. اسفزاری، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، به کوشش محمد کاظم‌زاده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
۳. اندیشمند، محمداکرم، *حزب دیموکراتیک خلق افغانستان*، کابل، میوند، ۱۳۸۸.
۴. الفستن، مونت استوارت، *افغانان، جای، فرهنگ و نژاد*، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸.
۵. بختیاری، محمدعزیز، *شیعیان افغانستان*، قم، موسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵.
۶. پولادی، حسن، *هزاره‌ها*، ترجمه علی عالمی کرمانی، تهران، عرفان، ۱۳۸۰.
۷. تهرانی، آقا بزرگ، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، ج ۲، بیروت، دارالاضواء.
۸. تقی‌زاده داوری، محمود، *سنت عزاداری و منقبت‌خوانی در تاریخ شیعه امامیه*، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴.
۹. خواندمیر، محمد، *حیب السیر*، تهران، خیام، ۱۳۶۲.
۱۰. رضوی اردکانی، سیدابوفاضل، *شخصیت و قیام زید بن علی*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.
۱۱. سنایی غزنوی، *دیوان اشعار*، به کوشش مدرس رضوی، تهران، اقبال، ۱۳۶۲.
۱۲. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، ج ۴، قاهره، مطبعة الاستقامة، ۱۹۳۹ م.
۱۳. عبدالرزاق سمرقندی، *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، لاهور، ۱۳۶۰ ق.
۱۴. غبار، میرغلام‌محمد، *افغانستان در مسیر تاریخ*، قم، پیام مهاجر، ۱۳۵۹.
۱۵. فرهنگ، صدیق، *افغانستان در پنج قرن اخیر*، ج ۱، قم، دارالتفسیر، ۱۳۸۰.
۱۶. قایل‌زاده، عبدالباقی، *مشاطة فکر*، کابل، چاپ ذهاب، ۱۳۸۸.
۱۷. قزوینی رازی، عبدالجلیل، *النقض*، تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی، چاپ دوم، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
۱۸. کاتب، فیض‌محمد، *سراج التواریخ*، تهران، مؤسسه انتشارات بلخ، ۱۳۷۲.
۱۹. کاشفی، میرزا حسین، *روضه الشهداء*، تهران، نشر چاپخانه خاور، ۱۳۳۴.
۲۰. کوفی، ابن اعثم، *الفتوح*، ج ۶، هند، ۱۳۹۵.
۲۱. موسوی، سیدعسکر، *هزاره‌های افغانستان، تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و سیاست*، ترجمه اسدالله شفاپی، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری نقش سیمرخ، ۱۳۷۹.

۲۲. مولوی، جلال‌الدین محمد، **مثنوی معنوی**، به کوشش دکتر سبحانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۳. ناصری داودی، عبدالمجید، **تشیع در خراسان**، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۲۴. نائل، حسین، **سایه‌روشن‌هایی از وضع جامعه هزاره**، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۲.
۲۵. نظامی باخرزی، عبدالواسع، **مقامات جامی**، تحقیق نجیب مایل هروی، تهران، نی، ۱۳۷۴.
۲۶. هدی، حسین، **اشعار بلبل**، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.
۲۷. هروی ریاضی، محمدیوسف، **عین الوقایع - تاریخ افغانستان**، به کوشش محمدآصف فکرت، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۶۹.

مصاحبه

۱. گفت‌وگو با دکتر سیدعسکر موسوی، انسان‌شناس، عضو تحقیق دانشگاه آکسفورد و مشاور علمی وزیر تحصیلات عالی افغانستان، قم، شنبه ۱۹ آذرماه ۱۳۹۰.
۲. گفت‌وگو با خانم سلیمه علی‌پور، فرزند سیدمجیر که نخستین تکیه‌خانه را در محله کارته‌سخی بنا کرد. قم، ۲۵ آذرماه ۱۳۹۰. خانم علی‌پور، خود از فعالان برپایی مجالس عزاداری‌های زنانه در کابل بوده است.